

چرا به روایتهای رسمی اعتماد نمی‌شود؟

آذر منصور

نسبت بین اعتمادسازی و شفافسازی و گردش آزادانه اطلاعات، از الزامات نگاه واقع‌بینانه به فناوری‌های عصر حاضر است. وقتی از انفجار اطلاعات در عصر حاضر صحبت می‌شود، به این معنی است که اگر شیوه حکمرانی با حکمرانی کره‌شمالی متفاوت است، باید متناسب به سرعت رشد و گسترش این فناوری، تدبیر لازم را از یل‌سو برای به‌روزرسانی نوع مدیریت کشور و از سوی دیگری تبدیل این ظرفیت‌های جدید عصر ارتباطات به فرصت به‌کار بست. اگر متناسب با این رشد تدبیر لازم در حکمرانی وجود نداشته باشد، نه تنها فرصت‌های آن را از دست خواهد داد، بلکه به تهدید علیه حکمرانی تبدیل خواهد شد. دسترسی به گردش آزادانه اطلاعات به این در از جمله حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی گنجانده شد که بدون وجود شهروندانی آگاه، پرسشگر متولیان حکمرانی نه تنها پاسخگویی لازم را در برابر عملکرد خود به مردم نخواهند داشت، بلکه در کنار افزایش ناکارآمدی‌ها، روز به روز بر گسست‌های بین حاکمیت و مردم افزوده خواهد شد. گسستی که مترصد اتفاقات ناگواری مانند فاجعه مرگ مهسا امینی به اسفبارترین شکل ممکن خود را به رخ حاکمیت می‌کشانند. فاجعه مرگ مهسا، یک نمونه از نقصان و ضعف جدی حکمرانی در مواجهه با نسبی است که باید بین شفافیت، گردش آزادانه اطلاعات و اعتماد شهروندان به روایتهای رسمی وجود داشته باشد. نه تنها پس از این فاجعه اطلاع‌رسانی شفاف توسط رسانه‌های رسمی مانند صدا و سیما صورت نگرفت و شاهد هیچ تدبیری از جانب مسوولان امر در برابر این فاجعه نبودیم، بلکه دو روزنامه‌نگار روزنامه‌های شرق و هم‌میهن نیز با اتهام اجتماع و تبانی برای تهیه خبر فوت او بازداشت و زندانی شدند! از طرف دیگر با شروع و شدت یافتن اعتراض به مرگ مهسا علاوه بر قطعی شبکه اینترنت دو شبکه اجتماعی پرمخاطب واتس‌آپ و اینستاگرام هم به جمع شبکه‌های اجتماعی فیلتر شده قبلی پیوستند. با شدت یافتن این رویکرد سلبی نسبت به گردش آزادانه اطلاعات و تشدید اعتراضات و کشته شدن معترضان مانند نیکا شاکرمی، حدیث نجفی و... در کنار بی‌سرانجامی پرونده مرگ مهسا

هر چند رسانه‌های رسمی و حکومتی سعی در انکار کشته شدن آنها به دست نیروهای نظامی و امنیتی داشتند، اما با بسته تر شدن ظرفیت‌های اطلاع‌رسانی رسمی و داخلی، رسانه‌های برون‌مرزی نظیر ایران اینترنشنال به ستاد اطلاع‌رسانی اعتراضات و کشته‌شدگان تغییر موقعیت داد. این انکار و رویکرد حذفی و سلبی نسبت به گردش آزادانه اطلاعات در کنار سوءتدبیر و ناکارآمدی حاکمیت یک‌دست که همچنان اصرار بر انکار شکاف خود و ملت ایران دارد، عامل اصلی تداوم و تشدید بی‌اعتمادی به روایت‌های رسمی است که فقط و فقط سعی بر توجیه عملکردها و رفتارهایی دارد که با نگاه آسیب‌شناسانه به وقایع اخیر خود عامل برانگیختن خشم بیشتر معترضان است. به عنوان مثال مقام‌های رسمی اعلام می‌کنند که در اعتراضات اخیر هیچ شهروندی کشته نشده است، اما در همین شبکه‌های اجتماعی فیلتر شده با معجزه فیلترشکن‌ها شاهد مراسم تشییع و خاکسپاری جانبازان در نقاط مختلف کشور هستیم. در نمونه‌های دیگر با اینکه همه ناظران بی‌طرف به شکست پروژه اعتراف‌گیری اذعان دارند، هنوز مشخص نیست که چرا همچنان این رویه زشت و غیرانسانی برای ساختن روایت‌های مطلوب حاکمیت به کار گرفته می‌شود؟ نگاهی به افزایش مرجعیت خبر رسانه‌های برون‌مرزی و در مقابل کاهش مرجعیت رسانه‌های رسمی، گواهی است بر روند رو به افزایش بی‌اعتمادی به روایت‌های رسمی. البته گردش آزادانه اطلاعات تنها یکی از وجوه اعتمادساز حکمروایی خوب است. به میزانی که حکمرانی پس از انقلاب ۵۷ از حکمروایی خوب فاصله گرفته، بر شکاف‌ها و گسست‌ها و بی‌اعتمادی‌ها به روایت‌ها و رسانه‌های رسمی افزوده شده و طبیعی است اگر با این وضعیت بگویند ماست سفید است، مخاطب در سفید بودن آن شك می‌کند.